

(12)

بسم الله الرحمن الرحيم

این مظلوم اراده نموده لوجه الله بر شما القا نماید آنچه را که سبب بقای ابدی و ذکر سرمدیست شکی نبوده و نیست که مقصود از آفرینش معرفت حق جل جلاله بوده حال باید خالصا لوجه المقصود انسان تفکر نماید که سبب اقبال نفوس بمشارق وحی و مطالع الهام در قرون و اعصار چه بوده و علت اعراض چه ؟ اگر بعرفان این مقام فائز شوی بکل خیر فائزی و از امواج بحر عرفان حق جل جلاله محروم نمایی ما سوی الحق را معدوم مشاهده کنی و مفقود بینی انسان چون بمقام بلوغ فائز شد باید تفحص نماید و متوکلا علی الله و مقدسا عن الحب و البغض در امری که عباد بآن متمسک اند تفکر کند و بسمع و بصر خود بشنود و ببیند چه اگر ببصر غیر ملاحظه نماید از مشاهده تجلیات انوار نیر عرفان الهی محروم ماند احزاب مختلفه در عالم موجود و هر حزبی خود را حق دانسته و میدانند بقوله تعالی " کل حزب بما لديهم فرحون "

در خاتم انبیاء روح ما سواه فداه تفکر نمائید چون آن نیر حقیقی باراده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب اعراض نمودند و بر سفک دم اطهرش قیام کردند وارد شد بر آنحضرت آنچه که عیون ملاً اعلی گریست و افنده مخلصین و مقربین محترق گشت باید در سبب و علت اعتراض تفکر نمود حق جل جلاله میفرماید " ما یأتیهم من رسول إلا كانوا به يستهزءون " و شکی نبوده و نیست که اگر مظاهر اوامر الهی و مصادر احکام ربانی موافق و مطابق آنچه در دست قومست از اشارات ظهور و اخبار و نصوص ظاهر میگذشتند احدی اعراض نمی نمود بلکه کل فائز میشدند بآنچه که از برای او از عدم بوجود آمده اند و از نیستی بحت بات بطراز هستی مزین گشته اند لذا بر هر نفسی لازم است که بعدل و انصاف در امر الله ملاحظه نماید و تفکر کند علمای امامیه بر آنند که حضرت قائم موعود بعد از ظهور در بیت الله بکلمه ای نطق میفرمایند که نقبا از آن کلمه اعراض مینمایند و فرار اختیار میکنند این کلمه ایست که آن حزب بآن مقر و معترفند حال در غفلت بعضی تفکر نمائید باعراض نقبا که بعد از ائمه باعتقاد خود ایشان اشرف عبادند قائلند و تصدیق مینمایند و در خود گمان نمی کنند که شاید این اعراض من غیر حق باشد باری ندای مظلوم و آنچه ذکر نموده بسمع انصاف بشنوید یظهر لک الحق و صراطه المستقیم در یک آن تفکر نمی نمایند که شاید آنچه ظاهر شده حق باشد و این اعراض و اعتراضات از غفلت و جهل واقع شده باشد از حق میطلبیم شما را تأیید فرماید تا ببصر عدل و انصاف مشاهده کنید و تفرس نمائید إنه یقول الحق و یرحم السبیل و هو العزیز الجمیل

حضرت عیسی ابن مریم علیه سلام الله و عنایت به آیات و ابیات و بینات باهرات ظاهر شد و مقصودش نجات خلق بوده هر منصفی شاهد و هر خبیری گواهد است آن حضرت از برای خود چیزی نطلبیده و نخواسته و مقصودش هدایت گمراهان بصراط مستقیم الهی بوده لکن وارد شد بر آن جمال اقدس آنچه که اهل فردوس نوحه نمودند و بقسمی بر آن حضرت امر صعب شد که حق جل جلاله باراده عالییه بسماء چهارم صعودش داد آیا سبب آنچه ظاهر شد چه بوده؟ لعمر الله اعراض علماء چه که حنان و قیافا که از فریسیین بوده اند یعنی علمای توراۀ مع علمای اصنام انکار نمودند و بسب و لعن مشغول گشتند

و همچنین در حضرت کلیم و سائر انبیاء ملاحظه فرمائید شاید آنچه در این ورقه ذکر شده شما را بعرفان مذکور فائز فرماید و بکمال همت بر خدمت امر قیام نمائی قیامیکه از سطوت ظالمین مضطرب نشود و از اعراض علماء تغییر نیابد

بشنو ندای این مظلوم را و از شمال و هم بیمین یقین توجه نما و از مغرب ظن و گمان بمشرق ایقان اقبال کن این مظلوم از اول ایام ما بین ایادی اعداء مبتلا البته بعضی از بلائی و آمده را اصغا نموده اید بعنایت حق جل جلاله امام وجوه خلق از علماء و امراء من غیر ستر و حجاب آنچه سبب نجات و راحت کل بود القا نمودیم هیچ امری از امور و هیچ شیئی از اشیاء منع ننمود و حایل نگشت و حال هم در سجن اعظم لوجه الله ذکر نمودیم آنچه را که از برای منصفین کتابیست مبین انظر ثم اذکر ما أنزلہ الرحمن فی الفرقان بقوله تعالی "ذرهم فی خوضهم یلعبون"

امید آنکه از فضل الهی باین کلمه فائز شوی و بآن عمل نمائی از ما سوی الله یعنی اموریکه سبب منع و علت احتجابست بگذری و آنچه سبب بلوغ و وصول است تمسک جوئی امر عظیم است و مطلب بزرگ و یوم یومیست که میفرماید "یا بنی اینها این تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخرة أو فی السموات او فی الارض یأت بها الله إن الله لطیف خبیر" امروز روزیست آنچه در قلوب و نفوس مستور است ظاهر و آشکار شود در نفوسی که رایگان جان و مال را در سبیل محبت غنی متعال انفاق نموده اند تفکر نمائید إنه یهدیک الی صراطه المستقیم و نبئه العظیم در حضرت نوح و هود و صالح صلوات الله علیهم ملاحظه کن مقصود آن مشارق امر چه بود و چه وارد شد

این عبد از اهل علم نبوده و مدرسه نرفته و بر حسب ظاهر در بیت یکی از رجال دولت متولد شده و باو منسوب این الأمر بید الله ربک رب العرش و النری و مالک الآخرة و الأولى

لا مانع لأمره و لا دافع لحكمه يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد و هو المقندر القدير اسمع نداء المظلوم طهر قلبك بماء الانقطاع و زين رأسك بأكلیل العدل و هيكلك برداء التقوى و قل :

الهی الھی أشهد بوحدانیتک و فردانیتک و أعترف بما نطقت به ألسن انبیائک و رسلک و ما أنزلته فی کتیبک و صحفک و زبرک و الواحک ای رب انا عبدک و ابن عبدک أشهد بلسان ظاهری و باطنی بأنک أنت الله لا إله إلا أنت الفرد الواحد المقندر العليم الحكيم آه آه یا الھی من جریراتی العظمی و خطیاتی الكبرى و من غفلتی التي منعتنی عن التوجه إلى مشرق آیاتک و مطلع بیناتک و عن النظر إلى تجلیات انوار فجر ظهورک و مشاهدة آثار قلمک فآه آه یا مقصودی و معبودی لم أدر بأی مصیبة من مصائبی أنوح و أبکی أ أنوح علی ما فات عنی فی أيام فیها أشرق و لاح نیر الظهور من إفق سماء إرادتک أم أنوح و أبکی عن بعدی عن ساحة قربک إذ ارتفع خباء مجدک علی أعلى الأعلام بقدرتک و سلطانک ؟ كلما زاد یا الھی رأفتک فی حقی و صبرک فی أخذی زادت غفلتی و إعراضی قد ذکرتنی إذ كنت صامتا عن ذکرک و أقبلت إلى بمظهر نفسك إذ كنت معرضا عن التوجه إلى انوار وجهک و نادیتنی إذ كنت غافلا عن اصغاء ندائک من مطلع أمرک و عزتک قد أحاطتني الغفلة من كل الجهات بما اتبعت النفس و الهوى فآه آه إرادتی منعتنی عن إرادتک و مشیتي حجبتنی عن مشیتک بحيث تمسکت بصراطی تارکا صراطک المستقیم و نبأک العظیم

ترى و تسمع یا الھی حنینی و بکائی و ضجیجی و ذلتی و بلائی ای رب هیکل العصیان أراد امواج بحر غفرانک و عفوک و جوهر الغفلة بدایع مواهبک و أطفاک فآه آه ضوضاء العباد منعتنی عن اصغاء بیانک و نعاق خلقک حجبني عن النظر إلى أفق أمرک و عزتک أحب أن أبکی بدوام ملکک و ملکوتک فکیف لا أبکی ؟ أبکی بما منعت عینی عن مشاهدة أنوار شمس ظهورک و أذنی عن اصغاء ذکرک و ننائک و عزتک یا إله العالم و سلطان الأمم أحب أن أستتر وجهی تحت أطباق الأرض و ترابها من خجلتی و بما اکتسبت أیادی غفلتی فآه آه كنت معی و سمعت منی ما لا ینبغی لک و بفضلک سترت عنی و ما کشفتم سوء حالی و أعمالی و أقوالی فآه آه لم أدر ما قدرت لی من قلمک الأعلى و ما شاءت مشیتک یا مالک الأسماء و فاطر السماء فآه آه أن یمنعنی قضاؤک المحتوم عن رحیقک المختوم أسألك بنفحات و حیک و أنوار عرشک و بالذی به توضع عرف قمیصک فی الحجاز و بنور أمرک الذی به أشرقت الأرض و السماء بأن تجعلنی فی کل الأحوال مقبلا إلیک منقطعا عن دونک و متمسکا بحبلک و متشبثا بأذیال رداء جودک و کرمک و اختار لنفسی ما اخترته لی بعنایتک الكبرى و مواهبک العظمی یا من فی قبضتک زمام الأشياء لا إله إلا أنت رب العرش و الثرى و مالک الآخرة و الأولى

